

ایزدیان از کجا آمده‌اند

۹ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۵۲

حمله‌های ناگهانی و رفتار سنگدلانه گروه تروریستی داعش برای جهان و منطقه شوکه‌کننده بود. در این میان، حمله آنان به اقلیتی کوچک در کوهستان‌های سنجار و موصل با نام «ایزدی» که در گمنامی و آرامش نسبتاً بدوی زندگی می‌کردند، بیشتر به دیده‌ها آمد.

گرچه مقاومت جانانه و طولانی مدت مردم آمرلی تحسین جهانیان را برانگیخت، اما حمله بی‌رحمانه داعش به ایزدی‌ها این سوال را در پیش روی مردم جهان و حتی شاید بسیاری از مردم عراق قرار داد که برآستی این اقلیت کیستند و اصل و نسب‌شان چیست؟

جستجوی ساده در سایت‌های خبری و اینترنتی نشان از این واقعیت دارد که شناخت دقیقی از این گروه در دست نیست و هر کسی گمانی را بدون استناد مطرح می‌کند.

بر این اساس، شایسته است تا در زوایای تاریک تاریخ جستجویی به‌عمل آمده و با تکیه بر مستندات، شناختی روشن از این اقلیت ارائه گردد.

شناختی که هم‌اکنون از این گروه وجود دارد بیشتر بر سه گونه است:

برخی این گروه را «ایزدیه» می‌نامند و معتقدند که اینان منسوب به یزیدبن معاویه اموی هستند.

برخی آنان را «ایزدی» دانسته و منسوب به ایران زرتشتی و با عقایدی میتراپی و مانوی می‌دانند.

و عده‌ای نیز آنان را برخاسته از عقاید و اعتقادات قدیمی آشور و بابل یعنی همان عراق قدیم می‌شمارند. (دکتر خلیل جندی، مدخل لمعرفته تاریخ الدیانه الایزدیه (org.krg))

ما در این مقاله که هدف آن ریشه‌شناسی قومی ایزدیان است، با رعایت اختصار، به‌روشنی و با اتکا بر منابع و مآخذ معتبر نشان

خواهیم داد که اصل و منشأ آنان کجاست.

سخن را از کتاب گرامی قدر حدودالعالم من المشرق الی المغرب آغاز می‌کنیم. آنجا که مولف ناشناخته‌اش (متوفی ۳۷۲ق) در اختصاری اعجازگونه که از ویژگی‌های او در تالیف این کتاب است، در فصل «آذربادگان و ناحیت ارمینیه و ازان» در مورد شهر اهر می‌گوید: «اهر قصبه میمد است و پادشایی رواد است از اولاد جلندبن کرکر انک کان یأخذ من کل سفینه غضبا.»

سوال این است که «رواد» که فرمانروای اهر بود چه کسی است؟

یعقوبی در تاریخ خود می‌گوید: ابو جعفر (منصور، خلیفه عباسی) یزیدبن حاتم مهلبی را والی آذربایجان قرار داد. یزید یمنی‌ها را از بصره به آذربایجان منتقل ساخت و نخستین کسی بود که آنان را منتقل کرد و «رواد ابن مثنی ازدی» را در تبریز تا بدّ (حدود شهرستان کلبر کنونی) فرود آورد. (تاریخ یعقوبی، ترجمه، ج ۲، ص ۳۶۱)

هم‌عصران یعقوبی، یعنی ابن خردادبه در صورالارض (ترجمه ص ۱۲۰)، ابن فقیه در البلدان (چاپ بیروت، ص ۵۸۲)، بلاذری در فتوح البلدان (ترجمه ص ۴۶۴) و نیز بسیاری دیگر، مانند ابن گفته یعقوبی را اظهار و بیان کرده‌اند.

حال باید ببینیم این «ازدی» که رواد ابن مثنی منسوب به اوست کیست؟

ازد نام طایفه‌ای بوده از طوایف عرب. سمعانی می‌گوید:

ازدی. به فتح الف و سکون زا. او ازد بن غوث بن نبت و فرزندان او از قبایل عرب هستند. (الانساب، ج ۱، ص ۱۸۰)

او سپس در ادامه ذیل ماده «اسدی» می‌آورد: اسدی (به سکون سین نه فتحه) منسوب به ازد است که زا به سین تبدیل شده است. اسدیان (ازدیان) جماعتی هستند که به اسد (ازد) منسوب‌اند و ریشه آنان برمی‌گردد به یکی از فرزندان قحطان که او ازد بن غوث بن نبت ابن... یعرب بن قحطان است. (همان، ص ۲۱۳)

زرکلی در اعلام می‌گوید: ازد بن غوث از قحطانیه. جد جاهلی یمانی (یمنی‌ها)های قدیم بوده است. منسوب به ازد را ازدی گویند. (اعلام، ج ۱، ص ۲۹۰)

بیشتر جغرافی‌نگاران، تاریخ‌نویسان و نسب‌شناسان، قحطان را پدر مردم یمن، یعنی اعراب جنوبی، می‌دانند. مسعودی می‌گوید:

«یعرب» نخستین فرزند قحطان بود. قحطان پدر همه مردم یمن بود و او (یعرب) اول کسی بود که سخن عربی گفت و چون معانی را «اعراب» یعنی اظهار کرد، سخنش «عربی» نام یافت. (مروج‌الذهب، ترجمه، ج ۱، ص ۳۴) و به همین دلیل قحطانیان خود

این ازد بن غوث که از او نام بردیم با چند فاصله از اولاد قحطان است و چنان که از سمعانی باز نمودیم، یکی از ریشه‌های اقوام و قبایل عرب است. ابن حزم اندلسی می‌گوید: از ازد قبایلی پدید آمد همچون: انصار، اوس، خزرج، خثعم، همدانی و... (جمهرت الانساب، ص ۴۸۶)

این قبایل در مناطق مختلفی پراکنده شده و سکنی گزیدند. بیشتر آنان در کناره‌های دریا ساکن شده‌اند، چنانکه مسعودی می‌گوید: این قوم عمانی که بر این دریا (دریای هند و خلیج بربری) می‌روند، عرب‌اند از طایفه ازد. (مروج‌الذهب، ترجمه، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۵)

تا اینجا ریشه و اصل طایفه و قوم ازد با تکیه بر منابع و مآخذ روشن شد.

حال برمی‌گردیم به آنچه یعقوبی در تاریخ خود گفته است و ما در آغاز مقاله به آن اشاره کردیم.

پس از ظهور اسلام و فتح سرزمین‌های دیگر، آذربایجان، موصل و بین‌النهرین هم از جمله سرزمین‌هایی بود که گشوده شد. در زمان منصور، خلیفه عباسی، یزیدین حاتم مهلبی والی آذربایجان گردید و او خاندان ازد را که حالا بزرگ خاندانشان «رواد» نام داشت و در یمن و بصره ساکن بودند، به آذربایجان فراخوانده و حکومت تبریز را به محمد، پسر رواد، می‌سپارد.

بلاذری در قرن سوم (۲۷۹ق) می‌گوید: اما تبریز. رواد ازدی و سپس و جناء ابن رواد به این شهر وارد شدند... در آنجا بنایی ساختند. وی بر شهر حصار کشید و همراهان وی در آن بلد منزل گزیدند. (فتوح‌البلدان، ترجمه، ص ۴۶۴)

روادیان ولی همواره روحیه ستیز و طغیان علیه عباسیان را داشتند و گاه علیه آنان برخاسته و شورش می‌کردند. حتی چنان که ابن ندیم می‌گوید: بابک خرمدین، قبل از قیام خود مدت دو سال نزد محمدبن رواد بوده‌است. (الفهرست، ص ۶۱۲)

روادیان یا همان ازدیان از حدود سال ۲۳۲ ق تا حدود سال ۴۶۳ ق در بخش‌هایی از آذربایجان و اطراف آن حکومت و زندگی کردند.

اما نکته قابل توجه این است که این قوم عرب، پس از سکونت در آذربایجان کم‌کم تغییر هویت داده و از قومی عرب به گُرد تبدیل شدند. این امر به خاطر اختلاط‌های قومی و نژادی و از جمله ازدواج‌ها صورت پذیرفته است. به گفته باثورت، در فاصله حکومت محمدبن رواد (در تبریز) تا ابوالهیجاء بن رواد (حاکم اهر و ورزقان، صوره‌الارض، ترجمه، ص ۸۵) که بیش از یک سده طول کشید، «روادیان گُرد شدند و اسامی گُردی برگزیدند». (دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه روادیان)

ازدیان با غلبه سلجوقیان در حدود سال‌های ۴۶۳ ق از قالب سیطره و حکومت از میان رفتند و دیگر خبری از آنان در منابع نیست. این قوم تغییر هویت یافته که بنا به گفته بلاذری جمعی از آنان در استان انبار عراق هم ساکن شده بودند (فتوح‌البلدان، ص ۲۴) از قرن ششم به بعد کم کم در نقاط مختلفی بویژه در موصل و مناطق اطراف آن پراکنده شدند و زندگی در خفا و پنهان را برای خود برگزیدند.

ازدیان که در طول زمان تغییر را دیده و تجربه کرده بودند، این بار به حکم ماهیت زبان، «ایزدی» را بر «ازدی» که تلفظ سخت‌تری داشت برگزیدند؛ در کوه‌های موصل و سنجار همراه با طبیعت ساکن شدند و با حمله داعش، دوباره به جهانیان معرفی شدند.

منبع: جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۲۸۴/ایزدیان-کجا-ایزدیان/>